

پول، عمر، زندگی

برخی ابعاد اجتماعی درآمد

تفصیلات وگو یا دکتر حسن بنیانیان

مشاوره

اگر یکی از مطالب سبک زندگی درباره‌ی درآمد را بخوانیم ممکن است احساس کنیم نکات مفیدی دارد. اما اگر مطالب مختلف را در کنار هم قرار دهیم، شاید از نکات فراتر برویم و نگاهی جامع در مورد درآمد به دست آوریم که در مواجهه‌ی ما با موضوع درآمد در هر روز یا هفته یا ماه کمکمان کند. به خصوص اگر مسئولیت یا مدیریتی داشته باشیم که به نوعی در چند و چون درآمد دیگران مؤثر باشیم با این نگاه کلان می‌توانیم ابعاد مختلف را در نظر بگیریم و در خصوص ساز و کار و کمیت و کیفیت درآمد افراد تحت مسئولیت بهتر تصمیم بگیریم.



؟ درآمد دغدغه‌ای مهم برای اکثریت قریب به اتفاق انسان‌هاست. مخاطبی که این گفتگو را مطالعه خواهد کرد به احتمال فراوان برایش مهم است که چگونه کسب درآمد کند و چگونه درآمدش را افزایش دهد. درآمد یکی از مولفه‌های مهم و اثرگذار در سبک زندگی است. ما در بحث سبک زندگی تلاش می‌کنیم از سطحی‌ترین لایه‌ی عینی زندگی و چیزهایی که هرکسی خود را با آن در ارتباط دائم می‌بیند به نحوی غیر سطحی سخن بگوییم تا از این رهگذر اهمیت جزئی‌ترین و ملموس‌ترین بخش زندگی روشن شود و نیز بسیاری از اشکالات و آسیب‌های پنهان را بشناسیم تا بتوانیم در همه‌ی زوایای زندگی به سبک صحیح دست پیدا کنیم. بنابراین وقتی به موضوع درآمد می‌پردازیم از این منظر است که درآمد یکی از عناصر بسیار مهم زندگی روزانه‌ی ماست. وقت فراوانی را صرف کسب آن می‌کنیم و مصرف آن، چگونه زندگی کردن را در بخش‌های زیادی از زندگی ما مشخص می‌کند. نوع تلقی از درآمد نیز

به خودی خود در زندگی ما بسیار موثر است. یکی از سوالات این است که از چه جهاتی باید به موضوع درآمد توجه کرد؟

برای پرداختن به بحث درآمد محوری ترین عنصری که باید به آن توجه کرد وقت است. ما وقت محدودی داریم و بخواهیم یا نخواهیم؛ و قزمان را مدیریت بکنیم یا نکنیم، این وقت هزینه می شود. گاه به ازاء آن به نفعی واقعی دست می یابیم، گاه آن را هدر می دهیم و گاه آن را در راه زیان زدن به خود صرف می کنیم. یک طیف بسیار گسترده از بدترین نوع صرف وقت تا برترین آن وجود دارد. حال انسان می تواند منحنی صرف وقت خود را ترسیم کند. در جدولی به صورت نیم ساعت نیم ساعت یا یک ساعت یا دو ساعت... و مشخص کند که هر بخش را به چه کیفیتی گذرانده است. فرد می تواند منحنی کیفیت وقت خود را در مقایسه با یک دوست یا در مقایسه با گذشته خود بسنجد.

لازم به ذکر و تاکید است که همین میزان از آگاهی که ما داریم برای انجام چنین محاسبه ای کافی است؛ زیرا در هنگام این بررسی و ارزیابی انسان تابع احساساتش نخواهد بود بلکه به عقل خود مراجعه می کند. به عکس زمانی که بدون چنین محاسبه ای می خواهد تصمیم گیری یا ارزیابی نماید احساسات در آن دخالت می کند. وقتی این منحنی رسم می شود انسان متوجه می شود که درآمد به خودی خود اصلاتی ندارد بلکه حلقه ای واسطی است برای تبدیل کردن عمر به پاسخ هایی برای انگیزه های مختلف. مثلا شما از لحاظ انگیزشی از خانه ی بزرگ یا ایهت یا زیبایی یا مورد توجه مردم قرار گرفتن خوشتان می آید، شما در پی این انگیزه و گرایش به حرکت اقدام می کنید و عمر و وقت خود را برای به دست آوردن پول برای تامین خواسته ی خود صرف می کنید. خود انسان بهتر از هر کس دیگر می تواند دریابد که در حال صرف عمر برای پاسخ به چه چیزی است. اما عموما انسان ها در خصوص زندگی خود فکر نمی کنند و یک چرخه را به طور ناخودآگاه طی می کنند. و از همین رو دچار اشتباهات زیادی می شوند. گاه یک نفر تبدیل به ماشین تولید پول برای ارضای نیاز دیگران می شود.

پس زیرساخت و ماده ی اولیه ی درآمد، بزرگترین سرمایه ی انسان یعنی عمر است. نظام درآمد یک پدیده کاملا واسطه ای است. ورودی عمر است و تبدیل به درآمد می شود خروجی ارضاء یک سری نیاز است. این نیازها می تواند مربوط به خود انسان باشد و یا ممکن است نباشد و از طریق عاطفه و احساس و عرف اجتماعی در اختیار بستگان قرار گیرد.

۴ با این توضیح افزایش و بهینه کردن درآمد چگونه صورت بندی می شود؟ آیا می شود این کسب درآمد را کیفیت بخشید و بهینه اش کرد؟

افزایش و بهینه کردن درآمد از دو بعد قابل طرح است. نخست این که خود درآمد را چگونه از نظر مقدار و کمیت افزایش بدهیم. در این خصوص مباحثی مطرح می شود: از جمله اولین چیزی که مطرح می شود تقسیم حلال و حرام است. پیش از پاسخ به سوال چگونگی افزایش درآمد ناگزیر باید مشخص شود که چه مرزهای اخلاقی مورد قبول است و در مقابل حلال و حرام چه موضعی گرفته می شود. این موارد، خود برآمده از جهان بینی کلی است. بنابراین تلقی انسان از عالم و آدم و مبدا و معاد و تعریف او از سعادت همگی در جنبه ی افزایش کمی درآمد دخالت می کنند. اما بعد دیگر در خصوص بهینه کردن درآمد این است که چه چیزی برای چه چیزی هزینه می شود. اگر تصور شود که درآمد و پول هزینه

می شود، درک صحیحی از موضوع نداریم. همان طور که توضیح داده شد درآمد و پول واسطه است. اصل آن چه که هزینه می شود عمر است. از سوی دیگر این که درآمد صرف چه چیزی می شود بسیار مهم است. هزینه برای ارضای کدام نیاز و به چه نسبتی و در چه جهتی انجام می شود؟ هر کسی نسبت به تامین نیازهای خود دارای یک نوع اولویت بندی خودآگاه یا ناخودآگاه است. کسی که دنیا را مزرعه ی آخرت می داند در هزینه کردن درآمد، و به واقع عمر، بیش از نیازهای مادی به نیازهای معنوی توجه دارد و کسی که همه ی آمال و آرزوهای خود را به این دنیا محدود کرده است در هزینه کردن عمر به تمتع هر چه بیشتر از این دنیا می اندیشد. کمک به دیگران و خدمت به دیگران با هزینه کردن عمر و درآمد نزد این دو فرد متفاوت است، یکی از خدمت به دیگران و هزینه کردن برای آن لذت می برد و دیگری آن را اتلاف منابع می بیند و تنها به دنبال خوش گذرانی است. خوش گذرانی هم در هر سنی معنا و مصداقی دارد. به این ترتیب در نگاه نخست به بحث درآمد مثلث جهان بینی - نیاز - درآمد روبروی ما قرار دارد. حال، این رابطه که به صورت یک چرخه است گاه یک چرخه ی فزاینده ی منفی و گاه یک چرخه ی فزاینده ی مثبت را ایجاد می کند.

اگر بخواهیم این مدل را اندکی واقعی تر و طبیعتا پیچیده تر کنیم باید به عوامل دیگر موثر بر آن توجه نماییم. از جمله مهم ترین عوامل تعیین کننده در مثبت یا منفی بودن این چرخه، موضوع استقلال فکری شخص است. این که شخص به چه میزان از اندیشه بهره می گیرد و فکر می کند و به چه میزان تحت تاثیر عوامل مختلف از جمله اطرافیان، رسانه ها و ... قرار دارد. به نسبتی که فرد اندیشه ی مستقلی داشته باشد و بیشتر فکر کند رابطه ی بهتری میان نیازها درآمد و جهان بینی خود برقرار می سازد. عموما افراد با گذشت سن استقلال بیشتری در اندیشه به دست می آورند. هم چنین میزان اندیشه ورزی و عقل گرایی افراد و یا تابع احساسات بودن موثر است؛ و نیز میزان دانش انسان ها نسبت به امور، به خصوص نسبت به چگونگی مدیریت شدن توسط دیگران، بسیار مهم است. افرادی که از چند و چون مدیریت شدن در جوامع مدرن آگاه تر باشند، کمتر با ابزارهای مدیریتی نظام سرمایه داری اداره می شوند. اما کسی که آگاهی لازم را نداشته باشد در حالی که تمام تصمیم هایش را به نوعی دیگران و نظام اجتماعی برای او ساخته است ممکن است هیچ گاه هم احساس نکند که تحت مدیریت دیگران است و استقلال فکری و ارادی ندارد. برخی نیز به صورت خدادادی بهره ی بیشتری از توان مدیریت دارند و کمتر تحت مدیریت دیگران قرار می گیرند. بعضی از لحاظ شخصیتی در مقابل نظرات دیگران مقاومت بیشتری دارد و به سادگی هر نظری را نمی پذیرند. خلاصه آن که عوامل مختلف فراوانی در میزان استقلال فکری، عقل ورزی و اندیشه گرایی افراد موثر است.

۵ چطور می توان مهارت لازم برای مدیریت درست زمان را به دست آورد؟

تصور کنید که ما به جای نظام آموزشی موجود که دانشی را به کودکان می دهد که عموما به نظام طبیعت مربوط است، تمرکز اصلی را در خصوص موضوعاتی مثل «مدیریت عمر» قرار دهیم. از همان دوران دبستان با روش های خیلی ساده و مناسب و در عین حال موثر می توان مدیریت عمر و نیز اندیشه گرایی و عقل ورزی را به کودکان آموزش داد تا در زندگی فردی و اجتماعی خود توانایی لازم و نیز توجه کافی را در خصوص ضرورت تفکر و اندیشه برای تصمیم و

دو نگاه

- سرمایه ای را که قرار است تبدیل به پول کنید سرمایه ی عمر است.
- و پول ها همه یک نوع نیستند. و هر نوع پولی پیامدهای خاص خود را دارد. تصور این که پول یک نوع پول است تصور بسیار نادرستی است

کننده که باید در تصمیم‌گیری و انتخاب راه کسب درآمد لحاظ شود بحث در بگیرد.

یک ساعت عمر در سن ۱۴ سالگی با یک ساعت عمر در سن ۶۰ سالگی بسیار متفاوت است. یک ساعت عمر در ۱۴ سالگی اگر به دانش تبدیل شود، تا پایان عمر همراه شماست، مثلاً اگر عمر شما ۸۴ سال باشد، ۷۰ سال همراه شماست، اما همان دانش را اگر در سن ۶۰ سالگی به دست بیاورید، ۲۴ سال همراه شماست.

شش‌های انتخاب رشته‌ی کنکوری‌ها تابلوی خوبی برای نشان دادن وضعیت ماست. چند ساعت وقت که دانش‌آموز برای تعیین رشته و شغل آینده و در واقع برای تمام وجود و شخصیتش و نیز برای تعیین زندگی دنیوی و اخروی خود صرف می‌کند. نخست این‌که چند ساعت محدود است. آیا موضوعی با این اهمیت باید در عرض چند ساعت تعیین شود؟ حال آن‌که لازم بود که از ابتدای تحصیلات مهارت فکر کردن آموزش داده می‌شد تا در سال‌های پایانی دبیرستان با فرصت کافی تصمیمی راجع به رشته و شغل آینده گرفته شود. مهم‌تر از آن این‌که در تعیین رشته فقط و فقط یک عامل از میان عوامل مهم و متعدد ملاک قرار می‌گیرد و آن هم پول‌ساز بودن رشته است. مشاوره هم که به دانش‌آموز کمک می‌کند بر همین اساس اولویت‌بندی را انجام می‌دهد. در صورتی که حتی همین ملاک نیز درست لحاظ نمی‌شود زیرا پول‌سازی آن رشته مربوط به زمان انتخاب رشته است و عموماً تا فارغ‌التحصیل شدن دانشجو وارد شدنش به بازار کار تغییرات مهمی اتفاق می‌افتد.

۴ شما عمر را به عنوان یکی از مولفه‌های محوری در بحث درآمد بیان فرمودید. این که در واقع مهم‌ترین مولفه در دیدن درآمد عمر است. خوب این در تلقی رایج وجود ندارد، آیا عنصر دیگری از این سنخ می‌توانیم پیدا کنیم؟ مثلاً پولی بودن درآمد محوریست دارد، یعنی باید قابلیت تبدیل به پول و ارزش پولی داشته باشد. شاید در گذشته این طوری نبوده است. خصوصیات که امروز ما برای درآمد در ذهن خود داریم لزوماً در گذشته در اذهان نبوده است. کسی که کارش کشاورزی در مزرعه‌ی خودش بوده است مفهومی به عنوان درآمد که امروز ما می‌شناسیم برایش مطرح نبوده است. این تفاوت را به اجمال درک می‌کنیم اما تفصیل آن مهم است. تبیین این تفاوت کمکی به درک مفهوم درآمد به صورت روشن‌تر می‌کند؛ مثلاً استمرار را می‌توان یکی از عناصر مفهومی درآمد دانست.

همان‌طور که می‌دانید قبل از ظهور پول مبادله کالا با کالا انجام می‌شده است. اکنون نیز در داد و ستدها علاوه بر کالا و پول موارد دیگری نیز داد و ستد می‌شود. شما در یک تخصص علمی علاوه بر پولی که کسب می‌کنید دانش هم فرا می‌گیرید. ممکن است در بعضی از شغل‌ها سلامت خود را هم مبادله کنید. سلامت روانی را ممکن است با دریافت یک موقعیت اجتماعی بالاتر مبادله کنید و میزان پولی هم که کسب می‌کنید همان مقدار باشد. اما این عناصر مفهومی در مفهوم درآمد در تلقی عرفی از آن وجود ندارد.

اگر بنا باشد این بحث به صورت علمی ادامه یابد لازم است که مدلی برای مدیریت منابع طراحی کنید که تمام متغیرها را در آن لحاظ کنید. زیرا با فکر، پژوهش و مطالعه‌ی بیشتر متغیرهای بیشتری وارد می‌شود. تا زمانی که ما این موارد را تبدیل به مدل نکنیم و روابط علی و معلولی را به درستی لحاظ نکنیم نمی‌توانیم تصمیم‌گیری جامع‌نگرانه و خردورانه را ترویج کنیم و فضا برای تصمیم‌گیری‌های تک بعدی و احساسی هم‌چنان مساعد خواهد بود. ■

اقدام به دست آورند. در دوره دبستان با ادبیات بسیار ساده مثلاً معلم در کلاس بگوید که بچه‌ها یک ساعت وقت داریم و می‌خواهیم با مشورت هم دیگر ببینیم که در این یک ساعت بهتر است چه کاری انجام دهیم؟ به این ترتیب می‌توان فکر کردن قبل از وقت صرف کردن را آموزش داد.

کودک می‌آموزد که با خود فکر کند که من الان یک ساعت وقت دارم، می‌توانم سینما بروم، می‌توانم کتاب بخوانم، می‌توانم با دوستانم بنشینم و گپ بزنم و می‌توانم بخوابم. کدام را بهتر است انتخاب نمایم. تکرار این تمرین در مدرسه از دبستان تا دبیرستان ثمرات بسیار ارزشمندی برای جوانان و برای جامعه خواهد داشت. در بررسی گزینه‌های مختلف هرکسی باید دیگران را قانع کند و از پیشنهاد خود دفاع کند. به طور طبیعی به بررسی استدلال‌ها و ملاک‌ها برای انتخاب خواهند پرداخت و باید به فکر و عقل خود مراجعه نمایند. به تناسب بالا رفتن سطح تحصیلات این تمرین پیچیده‌تر و واقعی‌تر می‌شود.

۴ این نحوه‌ی آموزش چه تاثیراتی بر بحث کنونی ما؛ یعنی درآمد، دارد؟

تمرین چنین تمرین و آموزشی این خواهد شد که یک جوان در هنگام انتخاب شغل و پرداختن به کسب درآمد با نگاهی صحیح و بر اساس فکر و اندیشه تصمیم خواهد گرفت و عوامل مختلف را لحاظ خواهد کرد. اما اکنون تنها میزان بیشتر درآمد با جاشنی گرایش‌ها و احساسات در تصمیم‌گیری عامل تعیین‌کننده است. بدون توجه به این‌که سرمایه‌ای را که قرار است تبدیل به پول کنید سرمایه‌ی عمر است، و پول‌ها همه یک نوع نیستند، و هر نوع پولی پیامدهای خاص خود را دارد. تصور این‌که پول یک نوع پول است تصور بسیار نادرستی است. در مشخص‌ترین نمونه‌ها، پولی که از راه نادرست به دست می‌آید، مثلاً از راه یک کلاه‌داری، با همین نگاه مادی و دنیایی هم اگر توجه کنیم می‌بینیم که از پولی که یک معلم در قبال تعلیم و تربیتی دلسوزانه به دست می‌آورد کاملاً متفاوت است. برخی پول‌ها به همراه خود حجم انبوهی نگرانی و اضطراب دارد. برخی پول‌ها آرامش و رضایت‌مندی به دنبال دارد. ما در قبال شغل‌های مختلفی که انتخاب می‌کنیم خیلی چیزها از جمله شخصیت خود را نیز موضوع سرمایه‌گذاری قرار می‌دهیم. کسی که شغلش سروکار داشتن دائم با طبیعت و لطافت‌های آن است مانند تولیدکننده‌ی گل یا گل فروش طبیعتاً تاثیراتی بر شخصیت وی خواهد گذاشت. انتخاب برخی شغل‌ها معادل است با این‌که شما تصمیم بگیرید تبدیل به یک درغگوی حرفه‌ای بشوید. انتخاب شغل آموزش قرآن و حدیث به کودکان معادل است با این تصمیم که من دائم با قرآن و احادیث و با نونهالانی که ارتباط با آنان موجب توجه و تذکر نسبت به ناب‌ترین و پاک‌ترین صفات انسانی است مانوس باشم. درآمد صرفاً یک حلقه‌ی واسط است و به خودی خود منبع نیست. عمر و شخصیت انسان منابعی هستند که هزینه می‌شوند. با انتخاب یک شغل شما ممکن است هر روز علاوه بر آن‌که در حال تامین نیاز معیشتی خود هستید دانش خود را نیز افزایش بدهید. موضوع درآمد از جهت ارتباط با همه‌ی ابعاد وجودی انسان بسیار مهم است و نیازمند تحقیقات و مطالعات جدی است و می‌تواند جزو مباحث عمومی مردم نیز باشد و تبدیل به موضوع گفت‌وگوی خانوادگی شود. همان‌طور که اکنون در خصوص شغل و میزان درآمد در خانواده‌ها و جمع‌های خانوادگی بحث می‌شود، و مهم است که هر شغلی چه قدر درآمد دارد، در مورد این‌که هر شغلی چه تاثیری روی شخصیت دارد و سایر ابعاد و مولفه‌های موثر و تعیین

دو نگاه

کسی که شغلش سروکار داشتن دائم با طبیعت و لطافت‌های آن است مانند تولیدکننده‌ی گل یا گل فروش طبیعتاً تاثیراتی بر شخصیت وی خواهد گذاشت. انتخاب برخی شغل‌ها معادل است با این‌که شما تصمیم بگیرید تبدیل به یک درغگوی حرفه‌ای بشوید. انتخاب شغل آموزش قرآن و حدیث به کودکان معادل است با این تصمیم که من دائم با قرآن و احادیث و با نونهالانی که ارتباط با آنان موجب توجه و تذکر نسبت به ناب‌ترین و پاک‌ترین صفات انسانی است مانوس باشم